«رُبَّ كَلامٍ كَالْحُسامِ.» اَلإمامُ عَليٌّ عليه‌السلام

چه بسا سخنی که مانند شمشیر است.»

وَ رُبَّ كَلامٍ يَجلِبُ لَكَ الْمَشاكِلَ. «فَكِّرْ ثُمَّ تَكَلَّمْ تَسلَمْ مِنَ الزَّلَلِ.» اَلإمامُ عَليٌّ عليه‌السلام

وچه بسا سخنی که برای تو مشکلات فراهم می آورد. «فکر کن سپس صحبت کن تا از لغزش سالم بمانی.»

يَجِبُ عَلَى الْإنسانِ الاِجْتِنابُ عَنْ ذِكْرِ الْأَقوالِ الَّتي فيهَا احْتِمالُ الْكِذْبِ. «لا تُحَدِّثْ بِما

واجب است بر انسان دوری کردن از ذکر گفتارهایی که در آنها احتمال دروغ است. «سخن نگو درباره چیزی که

تَخافُ تَكذيبَهُ.» اَلإمامُ عَليٌّ عليه‌السلام

می ترسی از تکذیب آن.»

طوبىٰ لِمَنْ لا يَخافُ النّاسُ مِنْ لِسانِهِ. «مَنْ خافَ النّاسُ مِنْ لِسانِهِ فَهُوَ مِنْ

خوشا به حال کسی که مردم از زبانش نمی ترسند. «هرکس بترسند مردم از زبانش پس او از

أَهْلِ النّارِ.» رَسولُ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله

اهل آتش است.

وَ مِنْ آدابِ الْكَلامِ قِلَّتُهُ، «خَيرُ الْكَلامِ ما قَلَّ وَ دَلَّ.[1]» اَلإمامُ عَليٌّ عليه‌السلام

و از آداب سخن گفتن کمی آن است، «بهترین سخن آن است که کم باشد و راهنمایی کند.»



وَقَفَ رَجُلٌ جَميلُ الْمَظهَرِ أَمامَ سُقراط يَفتَخِرُ بِمَلابِسِهِ وَ بِمَظهَرِهِ، فَقالَ لَهُ سُقراط: تَكَلَّمْ حَتّىٰ أَراكَ.

ایستاد مردی خوش سیما در برابر سقراط که افتخار می کرد به لباس ها و به قیافه اش، پس گفت به او سقراط: سخن بگو تا تو را ببینم

۱ــ **ما قَلَّ وَ دَلَّ:** آنچه کم باشد و راهنمایی کند. (سخنی کوتاه که منظور را کامل به شنونده برساند.)